

نگاهی بر مدیریت شهری در ایران و جهان

علی زیلابی

کارشناس پژوهشگری علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان.

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی مدیریت شهری در ایران و جهان انجام شده است. روش تحقیق کیفی و کتابخانه ای با استفاده از کتب و مقالات و پایان نامه ها بوده است. لذا در قسمت نخست به معرفی مدیریت شهری و ارگان های مرتبط با آن از قبیل شورای شهر، شهرداری و... پرداخته شده و سپس به بیان وظایف شهرداری ها در کشورهای آلمان، فرانسه، استانبول (ترکیه) و کوالالمپور (مالزی) و مدیریت شهری در کشور هلند و مصر و آمریکا و فرانسه پرداخته شده است.

واژه های کلیدی: شهر، مدیریت شهری، شورای اسلامی شهر، شهرداری، ایران، جهان

مقدمه

شهر به مثابه ی سیستم یکپارچه ای است که باید مدیریت آن نیز یکپارچه باشد و در اینجا می توان از اصطلاح مدیریت یکپارچه ی شهری^۱ نیز استفاده کرد چرا که در وهله ی اول شهرها دارای هویت واحد و یکپارچه اند، از سوی دیگر مدیریت واحد باعث یکپارچگی و انسجام مدیریت در شهر می شود و سپس مدیریت واحد، صرفه جویی در هزینه های شهری را به دنبال دارد با توجه به اینکه در حال حاضر هزینه های بالایی به دلیل عدم هماهنگی نهادها و دستگاه های مختلف در مورد فعالیت های مختلف به خصوص در سطح اجرایی صرف می شود و هر ارگان بر اساس برنامه و نیاز خود در شهر فعالیت میکند که ایجاد انسجام و یکپارچگی این ناهماهنگی را از بین برده و باعث کاهش هزینه ها می شود. از دیگر فواید مدیریت واحد شهری حذف موازی کاری و کاهش تعداد دستگاه های مسوول است که نه تنها به پیشبرد مدیریت یکپارچه شهری کمک نمی کند؛ بلکه بر دامنه ناهماهنگی هم می افزایند. شهرها به خودی خود دارای هویت یکپارچه ای هستند و این بزرگترین دلیل برای ایجاد مدیریت واحد شهری است که وجود این مدیریت باعث وحدت بخشی برنامه ای به عناصر و اجزای مختلف و نیز سازمان های درگیر در توسعه شهری می شود. در مدیریت واحد شهری برنامه ریزی برای شهر هم باید به منظور توسعه ی سازمانی و هم برای توسعه اجتماعی، فرهنگی و غیره صورت گیرد چرا که این مدیریت وظیفه ی مدیریت سازمان، سیستم اجتماعی، خدماتی، آموزشی و... را بر عهده دارد. در مقطع کنونی بنا به دلایل مذکور و وجود شکاف در برنامه ریزی ها و فعالیت ها و همچنین بروز ناهماهنگی میان بخش های مختلف تصمیم گیر در زمینه امور شهری به عنوان یک نوع ضرورت اجتناب ناپذیر مطرح شود. کاهش مشکلات خدمات شهری و نارضایتی مردم در خصوص دوباره کاری ارگان ها و سازمان ها و تقویت روحیه مشارکت شهروندان در امور شهر در گرو مدیریت واحد شهری است که باید با برنامه ی هدفمند ایجاد شود، برای تحقق مدیریت واحد شهری بهره مندی از تجارب کشورهای موفق جهان در این زمینه بی تأثیر نخواهد بود. لذا در این پژوهش به بررسی اجمالی مدیریت شهری در ایران و جهان پرداخته می شود.

مدیریت شهری

از نظر بانک جهانی مدیریت شهری یک فعالیت شبه تجاری برای دولت هاست. به عبارت دیگر مدیریت شهری یعنی اداره امور شهری و کارایی بیشتر برای استفاده از وام های بانک جهانی می باشد. بعضی اوقات مدیریت شهری به عنوان ابزاری برای اجرای سیاستگذاری های شهری در نظر گرفته می شود که به مفهوم علم اداره جامعه می باشد. سازمان ملل متحد، برای ارتقای مدیریت شهری و ارتقای مردم سالاری، بر پاره ای از موضوع ها و اولویت ها تاکید ویژه دارد که عبارتند از:

- بازنگری در جایگاه و کارکردهای دولت
- تلاش برای تعیین راهبردهای شهر با مشارکت نهادها و شهروندان
- شفافیت کارکرد مالی در تمام سطوح
- جریان آزاد اطلاعات، به عنوان لازمه شفافیت و مشارکت
- تأکید بر جایگاه رهبری مدیریت شهری
- وجود ضابطه های اخلاقی برای رفتار مدیریت شهری

¹ Integrated Urban Management

برنامه ریزی اجتماعی، از دهه ۱۹۶۰ میلادی رواج یافت. در آن دهه، دولت و مدیران شهرهای بزرگ دریافتند که ناآرامی‌های اجتماعی مانند قومی، نژادی و طبقاتی؛ تهدیدی برای پایداری اقتصادی و سیاسی در شهرها است. از این رو، مقوله برنامه ریزی اجتماعی، اقبال و رواج یافت. در واقع، برنامه ریزی اجتماعی، به عنوان نشانه‌ای از برابری طلبی و مشارکت جویی دولت و مدیران شهر، تفسیر شد. با این حال نقطه شروع مدیریت شهری به معنای نوین آن را بایستی در تحولات دهه ۸۰ و ۹۰ میلادی جست. در این زمان و پس از دوره رکود نسبی دهه ۸۰ مضامین و مفاهیم جدیدی در ارتباط با نقش و وظایف دولت‌ها به وجود آمد و دولت رفاهی که در دهه ۷۰ ناکارآمدی خود را در مواجهه با رخدادهای جاری در زمینه‌های فنی و اجتماعی نشان داده بود جای خود را به دولت حداقلی داد و دولت‌های محلی در پرتو مدیریت نوین دولتی به توانمندساز بدل شدند. فرایند تمرکززدایی نیز در تبدیل مدیریت شهری به یک فعالیت قدرتمند و داراری اختیارات قانونی سرعت بخشید. در گام آخر تحلیل اندیشه‌های پوزیتویستی در مقابل تفکرات انتقادی و ساختگرایانه در حوزه‌های اجتماعی و فرهنگی و شکست راه حل‌های همسان در نقاط مختلف که از روی نمونه‌های غربی الگو برداری شده بودند (به عنوان نمونه طرح‌های اقتصادی در امریکای لاتین) و تأکید بر حل مشکلات به صورت محلی در اهداف توسعه هزاره سبب تقویت بیش از پیش مدیریت شهری، علی‌الخصوص در کشورهای در حال توسعه شد (صالحی و همکاران، ۱۳۹۲).

اهداف مدیریت شهری

- ارتقای شرایط کار و زندگی همه جمعیت شهر با توجه به افراد و گروه‌های کم درآمد
- تشویق توسعه اقتصادی و اجتماعی پایدار
- حفاظت از محیط کالبدی شهر.

وظایف مدیریت شهری

یک مدیر شهری باید بتواند در دنیای رقابتی نقاط قوت و ضعف شهر خود را شناخته و درصد تقویت مزایای رقابتی آن برآید. از این رهگذر است که شهر می‌تواند نقطه قابل اتکایی در شبکه جهانی شهرها بیابد و کارکردهای خود را در نظام سرمایه داری بین الملل بهبود بخشد. بدین ترتیب «مدیر شهری» با «مدیر شهرداری» تفاوت‌های بسیار دارد چه اینکه اولی مسئول ارتقای قابلیت‌ها و توانمندی‌های شهر و شهرنشینان است در حالی که دومی بیشتر مجری است و پاسخگویی آن تنها محدود به نحوه عملکرد است و نه نتایج و پیامدها. بسیاری، معتقدند که جامعه آینده، جامعه‌ای شهر نشین خواهد بود. بنابراین، شهرها به جای این که مکان‌هایی بی ثمر برای سرمایه گذاری اقتصادی یا تراکم کارگران بیکار با انبوه مشکلات اقتصادی، اجتماعی و محیط زیستی باشند؛ باید که به مراکز رشد و پویایی اقتصادی و اجتماعی، در چارچوب ملی، بدل شوند. این مراکز، باید که آفرینشگر فرصت‌هایی ارزنده برای رفاه و توسعه نه تنها جمعیت ساکن در آن، بلکه جمعیت تمامی کشور باشد.

- ۱- آماده سازی زیرساخت‌های اساسی برای عملکرد کارآمد شهرها
- ۲- آماده سازی خدمات لازم برای توسعه منابع انسانی، بهبود بهره وری و بهبود استانداردهای زندگی شهری
- ۳- تنظیم فعالیت‌های تاثیرگذار بخش خصوصی بر امنیت، سلامتی و رفاه اجتماعی جمعیت شهری
- ۴- آماده ساختن خدمات و تسهیلات لازم برای پشتیبانی فعالیت‌های مولد و عملیات کارآمد موسسه‌های خصوصی در نواحی شهری

۵- برنامه ریزی استراتژیک

وظایف کنونی مدیریت شهری (صرف نظر از تنوع و اختلاف در نظامهای اجتماعی و سیاسی گوناگون)، تنها محدود به مواردی از قبیل برنامه ریزی، خدمات رسانی، مدیریت فرهنگ محلی، انجام پروژه‌های عمرانی و... نمی‌شود. بلکه جهت دهی فعالیت‌های شهری و ترسیم چشم انداز شهر در راستای دستیابی به توسعه پایدار از جمله مهمترین وظایف مدیران شهری به شمار می‌رود. امروزه، شهرها از دو جنبه اهمیت یافته‌اند: یکی به عنوان مرکز تجمع گروه عظیمی از مردم، دیگری به عنوان عمده ترین بازیگر نقش اقتصادی، در کل اقتصاد ملی. از اینرو، باید به مسائل و مشکلات آنها، توجه بیشتر و دقیق تر کرد. زیرا، در حالتی که برنامه ریزی دقیق و درست، سبب رشد اقتصادی، تثبیت سیاسی و افزایش مشارکت شهروندان در امور شهرها می‌گردد، شکست در حل مشکلات و مسائل شهری، سبب رکود اقتصادی، نارضایتی‌های اجتماعی و سیاسی، فقر، بیکاری و تخریب محیط زیست خواهد شد.

سازمان محلی

منظور از سازمان محلی، سازمانی است عمومی که با اختیاراتی وسیع در قسمتی از خاک یک کشور مانند استان، شهرستان، شهر و یا نواحی محدودتری مانند بخش، دهستان و غیره برای اداره امور محل آن قسمت به وجود می‌آید. در سازمان‌های محلی مردم هر محل به موجب اختیاراتی که طبق قانون اساسی و یا قوانین عادی به آنها داده شده است و می‌توانند با تنظیم مقررات جدید تا آنجا که مغایر با قوانین مملکتی نباشد امور محل خود را اداره نمایند. تمام فعالیت‌های حکومتی که پایین تر از سطح مسائل سیاسی و مالی قرار گرفته اند در حوزه اقتدار سازمان‌های محلی می‌توانند قرار گیرند. اختیارات و قدرت های سازمان‌های محلی از طریق تصویبنامه ها و آئین نامه هایی که شوراها و انجمن های محلی تصویب می نمایند به وسیله مجریان محلی اعمال می گردد. (طاهری، ۱۳۸۷)

ریشه تاریخی سازمان‌های محلی

از لحاظ اجتماعی، خانواده اولین موسسه اجتماعی تشکیل شده می باشد که تا حد زیادی در اداره امور داخلی خود آزادی عمل دارد و می تواند به هر شکل که بخواهد امور خود را در چار دیواری منزل یا منطقه ای که مربوط به خود است تحت نظم و قاعده درآورد به تدریج با بزرگتر شدن خانواده ها، طایفه ها تشکیل شده برای امور طایفه نیز سران طوایف و ریش سفیدان اتخاذ تصمیم می نمودند. افراد طایفه در امور مربوط به طایفه آزادی مطلق داشته و اجازه نمی دادند که فرد یا افرادی خارج از طایفه در کار آنها دخالت نمایند که این عمل نوعی توهین محسوب می شد. از اجتماع طوایف، کلان ها ایجاد شد که به وسیله کلانترها اداره می شد. برای ادرا این اجتماع، چون بزرگتر از اجتماعات قبلی بود افراد زیادی دخالت می کردند ولی با این حال استقلال اداری و محلی کلان ها دست نخورده باقی می ماند و کلیه مناقشاتی که از لحاظ مسائل خصوصی و اجتماعی بین افراد ایجاد می شد در داخل این اجتماع به وسیله معتمدان و ریش سفیدان حل می شد. به تدریج اجتماعات بزرگتر شد و فرمان روایان مقتدری پیدا شدند که توانستند با محدود کردن یا از بین بردن استقلال و خودمختاری های کوچک محلی، حکومت متمرکز ایجاد کنند و اتخاذ تصمیمات را منحصر به فرد نمایند. (طاهری، ۱۳۸۷)

شوراهای اسلامی

در تاریخ ۱۳۷۵/۳/۱ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران به تصویب رسید، ماده ۱ (اصلاحی ۱۳۸۲/۵/۵) - برای پیشبرد سریع برنامه های اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، بهداشتی، فرهنگی، آموزشی و سایر امور رفاهی از طریق همکاری مردم با توجه به مقتضیات محلی اداره امور هر روستا، بخش، شهر شهرستان یا استان با نظارت شورایی به نام شورای ده (روستا) بخش، شهر، شهرستان یا استان صورت می گیرد و به منظور جلوگیری از تبعیض و جلب همکاری در تهیه برنامه های عمرانی و رفاهی استان ها و نظارت بر اجرای هماهنگ آن، شورای عالی استان ها مرکب از نمایندگان شوراهای استان تشکیل می شود و تعداد آنها از ۳ تا ۳۱ نفر نسبت به جمعیت هر شهر تغییر می نماید. و دوره فعالیت آنها چهار ساله بوده به جز دوره جاری که مقرر شد با انتخابات ریاست جمهوری همزمان برگزار شده و بدین لحاظ ۶ ساله می باشد و در ذیل به تعدادی از وظایف آنها به اختصار اشاره می شود.

۱- انتخاب شهردار به مدت ۴ سال

۲- بررسی و شناخت کمبود ها، نیازها و نارسایی های اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، بهداشتی، اقتصادی و رفاهی حوزه انتخابیه و تهیه طرح ها و پیشنهادهای اصلاحی و راه حل های کاربردی

۳- نظارت بر حسن اجرای مصوبات شورا و طرح های مصوب در امور شهرداری و سایر سازمان های خدماتی

۴- همکاری با مسئولین اجرایی و نهادها و سازمان های مملکتی در زمینه های مختلف اجتماعی، فرهنگی،

۵- برنامه ریزی در خصوص مشارکت مردم در انجام خدمات اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، فرهنگی و غیره

۶- تشویق و ترغیب مردم در خصوص گسترش مرکز گردشگری و تفریحی، باهماهنگی دستگاه های زیربسط

۷- اقدام در خصوص تشکیل انجمن ها و نهادهای اجتماعی، امدادی، ارشادی و تاسیس تعاونی های تولیدی و توزیع و مصرف و نیز انجام آمارگیری، تحقیقات محلی و توزیع ارزاق عمومی با توافق دستگاه ها

۸- نظارت بر حسن اداره و حفظ سرمایه و دارایی های نقدی، جنسی و اموال منقول و غیر منقول شهرداری و همچنین نظارت بر حساب درآمد و هزینه آنها به گونه ای که مخل جریان عادی امور شهرداری نباشد.

۹- تصویب آیین نامه های پیشنهادی شهرداری پس از رسیدگی به آنها با رعایت دستورالعمل های وزارت کشور

۱۰- نظارت بر امور بهداشت حوزه شهر

۱۱- نظارت بر امور تماشا خانه ها، سینماها و دیگر اماکن عمومی

۱۲- تصویب مقررات لازم جهت اراضی غیر محصور شهری از نظر بهداشت و آسایش عمومی

۱۳- وضع مقررات و نظارت بر حفر مجاری و مسیرهای تاسیسات شهری (انصاری، ۱۳۹۰)

شهرهای اسلامی و ویژگی های آن

شهرهای ایران تا قبل از ظهور اسلام از سه بخش اصلی یعنی شارسران یا شهرستان، کهندژ یا ارگ و پروست یا بخش بیرونی تشکیل می شدند.

شارسران یا شهرستان شامل گذرهای اصلی که دروازه های شهر را به یکدیگر و به عناصر اصلی شهر مانند بازار، ارگ و غیره متصل می کرد، باغات و فضای سبز: محل زندگی بزرگان و اعیان، مرکز عمومی شارسران: مجموعه ای از فضاها و بناها ی خدماتی، تجاری و مذهبی برای عموم شهروندان.

مفصل های ارتباطی: که در تقاطع گذرها ایجاد شده و تقسیمات شهری و محله ای را نیز مشخص میکند. محله های مسکونی: محل زندگی عموم مردم

کهندژ یا ارگ: مقر حکومتی بوده و معمولاً معبد، آتشکده و تالارهای پذیرایی نیز در آن قرار می گرفت
پروست جاده ارتباطی برای ارتباط بین شهر با دیگر آبادی ها و ولایات مزارع و باغات و تامین محصولات کشاورزی استفاده می شد.

مکان مقدسی: که آتشکده یا مقبره یکی از بزرگان قوم یا مقدسین بوده و این مکان معرف شهر و هویت آن نیز بوده است محل تجمع کاروانیان بارانداز (میدان) در پشت حصاری برای استراحت کاروانیان وجود داشته که تجار معاملات خود را قبل از ورود کالا به شهر انجام می داده اند و پس از ظهور اسلام توسعه شهرهای این دوره بر پایه زیر ساخت ها و استخوان بندی ظاهری شهرهای قبل از اسلام ادامه یافته و همواره سه بخش اصلی و اساسی به صورتی کاملاً مشخص در شهرهای ایران وجود داشته است که بعد از اسلام حفظ شده اند با این تفاوت که با نوعی معنویت ممزوج گردید بطوری که مسجد آدینه به صورت یکی از ارکان اصلی زندگی شهری و یکی از نشانه های مشخص کننده شهر شد.

مدیریت شهری در ایران و تعدادی از شهرهای جهان

وظایف شهرداری ها در ایران

شهرداری در ایران یک نهاد غیر دولتی است که زیر نظر دولت مشغول به کار است و تحت نظر شخصی به نام شهردار اداره خواهد شد. نهاد شهرداری یک نهاد اجرایی عمومی است که وظیفه آن در ماده قانونی مصوب سال ۱۳۴۴ کاملاً تشریح و تعریف شده است. اما در سال ۱۲۸۵ هجری شمسی در ایران و با آغاز دوران مشروطه و در اواخر سلسله قاجار سازمانی به نام بلدیة در ایران تاسیس شد. بلد در زبان عربی به معنی شهر است و بلدیة به معنی شهرداری امروزی می باشد. این نهاد با تاثیر از فرهنگ و قوانین اروپایی بنیان شد و کار خود را از این سال در ایران شروع کرد. اولین شهرداری ایران در تهران تاسیس شد سپس در سال ۱۳۰۴ با آغاز دوران پهلوی در ۱۶ شهر ایران نیز این سازمان یا نهاد تاسیس شدند. رئیس بلدیة یا شهردار در آن دوران عنوان کلانتر را داشت. در نهایت سال ۱۳۴۴ وظایف شهرداری ها به شکل امروزی به تصویب قانون گذار رسید.
وظایف شهرداری ها در ایران و تمام دنیا به پنج گروه تقسیم شده است اما در ایران برخی از وظایف تعریف شده با کشور های دیگر دنیا فرق دارد و این وظایف در بین سازمان ها و نهادهای دیگر تقسیم شده است که به شرح زیر می باشد:

- احداث و طراحی باغ های عمومی، کوچه ها، خیابان ها، میدان ها و توسعه معابر و مجاری آب
- نگهداری، تسطیح و نظافت معابر، فاضلاب و مجاری آب و تامین روشنایی و آب
- همکاری کردن با بهداری برای اجرای واکسیناسیون عمومی و نظارت بر بهداشت عموم
- توسعه آموزش عمومی و جلوگیری از تکدی گری
- تاسیس موسسات درمانی بهداشتی، فرهنگی و تعاونی مانند تاسیس نوانخانه، بنگاه حمایت از مادران، -درمانگاه، بیمارستان، پرورشگاه، کتابخانه، موزه و شیرخوارگاه و غیره
- نظارت و نگهداری از دارایی های منقول و غیر منقول اداره شهرداری و دفاع از منافع اشخاص در دعاوی علیه نهاد شهرداری
- تنظیم و تامین بودجه شهرداری و تنظیم پیشنهاد برنامه ساختمانی.
- اجرای معاملاتی مانند خرید و فروش اموال منقول و غیر منقول با رعایت آیین نامه شهرداری

با تصویب انجمن اهدا و قبول هدایا و اعانات به نام شهر

-آمارگیری های شهری زاد و ولد و متوفی

-انجام اقداماتی برای حفاظت از شهر در برابر سوانح طبیعی چون زلزله سیل حریق، ترمیم دیوارهای شکسته تعمیر چاله ها و چاه ها واقع در معابر

-اصلاح نقشه شهری و تعیین قیمت های درست و عادلانه اراضی

-احداث اماکن عمومی برای رفاه حال مردم مانند پارکینگ و مکانی برای خرید و فروش ارزاق

-جلوگیری از تاسیس و ایجاد کارخانه ها، گاراژ های عمومی، کارگاه ها، دکان ها، تعمیرگاه ها و کارگاه تولید مواد محترقه، جلوگیری از ایجاد اصطبل چارپایان، دامداری ها و به طور کلی از ایجاد مراکزی که باعث پخش بیماری و عفونت شود و یا ایجاد سرو صدای زیاد و مزاحمت شود.

-ایجاد و تاسیس ساختمان ها و مکان هایی مورد نیاز مناطق شهر مانند سرویس بهداشتی، رختشویخانه، حمام عمومی و ساخت خانه های ارزان برای اقشار ضعیف و کم درآمد شهر

-مشارکت و همکاری در حفاظت از مراکز تاریخی و ابنیه ها و مساجد و...

-نگهداری از کودکان یتیم و بی بضاعت و نظارت بر رعایت بهداشت از سوی کارخانه ها و نظارت و مراقبت از پاکیزه بودن گرمابه ها و توجه ویژه به نظافت شهر

-برای همه ساختمان های ساخته شده و در حال احداث شهر پروانه ساخت صادر نماید.

-احداث کوچه های عمومی و خیابان ها، آسفالت معابر و ساخت پیاده رو ها

-عوارض های شهری و گمرکی برای کالای های صادراتی و وارداتی را تعیین نماید.

-نامگذاری و شماره گذاری معابر و اماکن

تمامی این وظایف بر ذمه شهرداری است که گاه در اعمال و وظایف خود کوتاهی می کنند و چون این نهاد یک نهاد عمومی و مردم نهاد است پس مستقیم با حقوق مردم جامعه و آن شعر در ارتباط است(عباس زاده، ۱۳۹۱).

وظایف شهرداری ها در آلمان

موضوع مهمی که از لحاظ وظایف شهرداری هادر آلمان وجود دارد، این است که حکومت مرکزی می تواند در تمامی زمینه ها با پدیدآوردن تغییرات قانونی، آزادی تصمیم گیری اداره های محلی را محدود کند. اما کاری که در این صورت انجام شده نیز نظارت بر حقوقی بودن مسأله است. از طرف دیگر از آن جاکه ۲۵٪ در آمد شهرداری از طرف مرکز تأمین می شود، در آلمان هم مانند سایرکشورها، بر کارکرد اداره های محلی از خارج تأثیر گذاشته می شود. اهم وظایف شهرداری های آلمان به شرح است:

- ۱- اداره تئاترها، اپراها، ارکسترها و موزه ها ۲- کمک های اجتماعی ۳- کمک به جوانان.

- ۴- اداره بیمارستان ها ۵- خدمات بهداشتی ۶- ورزش. ۷- تدوین برنامه عمرانی، نوسازی و نظارت بر ساختمان ۸- تأمین مسکن اجتماعی ۹- اداره باغچه، جنگل ها، پارک ها و گورستان ها. ۱۰- ساخت خیابان پل و کانال ۱۱- سیستم فاضلاب ۱۲- جمع آوری و دفع زباله و پاکیزگی خیابان ۱۳- تأمین آب مصرفی و آشامیدنی، برق و گاز ۱۴- حمل و نقل مسافر در داخل شهر ۱۵- وظایف مربوط به امنیت و نظم اجتماعی ۱۶- خدمات آتش نشانی ۱۷- مدرسه ها ۱۸- کتاب خانه ها ۱۹- تشویق پیشرفت اقتصادی

چنانکه ملاحظه می شود، در آلمان دامنه وظایف شهرداری‌ها بسیار گسترده می باشد. در این کشور شهرداری‌ها متولی امور فرهنگی، امور رفاه اجتماعی، امور بهداشتی، ورزش مسکن اجتماعی، برنامه های عمرانی، زیرساخت های حمل و نقل، خدمات شهری شامل آتش نشانی، تنظیف شهر، جمع آوری و دفع زباله و حتی امور انتظامی و امنیتی می باشد. جالب این جاست، صدور مجوز برای گردهمایی نیز یکی از وظایف شهرداری‌هاست. این امر نشان دهنده جایگاه شهرداری در جامعه دموکرات آلمان می باشد.

وظایف شهرداریها در فرانسه (پاریس)

در پاریس شهردار مسئولیت اجرای تصمیم های شورای محلی و کنترل نهایی آنها، تهیه و تنظیم دستور جلسه و ریاست بر جلسه های شورا، کنترل و نظارت بر انجام خدمات عمومی، نمایندگی شهرداری در مسائل قانونی در ارتباط با حکومت مرکزی، نظارت و سرپرستی امور پرسنلی شهرداری‌ها، تفویض و واگذار نمودن بودجه سالیانه برای تصویب شورا را دارد. علاوه بر انجام وظایف شهرداری، همچنین شهردار نماینده دولت مرکزی (فرماندار منطقه پاریس بزرگ و عضو هیأت دولت) است. شهرداری پاریس وظایف گسترده ای به عهده دارد که در ادامه ذکر می شود. شهرداری پاریس در عین وابستگی نسبی به دولت از اختیارات و وظایف گسترده ای برخوردار است. اهم وظایف شهرداری پاریس به شرح زیر است.

۱- ارائه خدمات شهری و زیر بنایی ۲- برنامه ریزی شهری ۳- مدیریت ترافیک شهری: زیر زمینی و رو زمینی ۴- حفاظت محیط زیست: ۵- رسیدگی به امور مدرسه ها ۶- رسیدگی به امور فرهنگی، جوانان و ورزش ۷- رسیدگی به امور رفاهی و خدمات اجتماعی ۸- امور اقتصادی ۹- انجام کلیه امور عمرانی شهر

وظایف شهرداری کلان شهر استانبول (ترکیه)

شهرداری‌ها منطقه ها، مسؤول انجام تمامی وظایف و خدمات سنتی شهرداری‌های ترکیه هستند که مشخصاً به شهرداری مرکزی واگذاری نشده است. در نتیجه یک سری وظایف به صورت مشترک به وسیله شهرداری کلان شهر و شهرداری منطقه ها انجام می گیرد. اما رئوس وظایف شهرداری‌ها در کشور ترکیه عبارت است از:

۱- برنامه ریزی کلان شهری ۲- تأسیسات زیر بنایی ۳- برنامه ریزی و ساخت مسکن ۴- حمل و نقل شهری ۵- خدمات پاکیزی شهر ۶- خدمات انتظام و امنیت شهری ۷- توسعه اقتصادی ۸- خدمات رفاهی و بهداشتی ۹- خدمات فرهنگی، آموزشی.

ذکر این نکته مهم ضروری است که صرفاً نظر از شهرداری استانبول، بر اساس قانون شهرداری‌های ترکیه، شهرداری‌ها بر اساس وظایف و وضعیت درآمد به چهار گروه تقسیم می شوند. بدین ترتیب انجام بعضی وظایف که متضمن هزینه زیادی می باشند، تنها برای آن دسته از شهرداری‌ها که درآمد زیاد دارند، اجباری شده و برای بقیه به صورت داوطلبانه درآمده است. طبق این قانون، یک شهرداری پیش از انجام وظایف اجباری نمی تواند بودجه ای برای وظایف دیگر تخصیص دهد، بنابراین علی رغم این که وظایف شهرداری‌ها وظایف را مشروط و محدود می کند.

وظایف شهرداری کوالالامپور (مالزی)

مفهومی که بر نحوه انجام وظایف دولت محلی در مالزی حاکم است، عبارت از مسأله دستوری بودن وظایف در مقابل اختیاری بودن آنهاست. وظایف دستوری، تمامی وظایف اساسی نظیر جمع آوری زباله، روشنایی خیابان ها و فعالیت‌های مربوط به

بهداشت عمومی را شامل می‌گردد. این خدمات حتماً باید ارائه شود و اولویت یا تأمین بهداشت عمومی است. از سوی دیگر وظایف اختیاری همان طور که از نامش پیداست، انتخابی بوده و شامل کلیه وظایف مربوط به توسعه شهری نظیر فراهم وسایل گذران اوقات فراغت، مسکن و آماده نمودن طرح‌های مختلف می‌باشد. به طور کلی وظایف دستوری از نظر ماهیت عمده. وظایف جاری به حساب می‌آیند. حال آن که وظایف اختیاری، وظایف توسعه ای می‌باشند.

در کوالا لامپور به طور مشخص اهم وظایفی که برعهده شهرداری است، به شرح زیر می‌باشد.

۱- نظافت و بهداشت شهری ۲- ایجاد، توسعه و نگهداری خیابان ها ۳- مدیریت ترافیک ۴- امور مربوط به فاضلاب ۵- برنامه ریزی و کنترل توسعه ۶- زیباسازی شهری ۷- امور پارک ها و تفریحات ۸- مدیریت مسکن شهری و ساخت مساکن اجتماعی ۹- کنترل تجارت و اموراتصادی شامل حفظ و توسعه فعالیت‌های اقتصادی بین المللی و تدارک فرصت های اشتغال از طریق مشارکت بخش خصوصی در توسعه ملی

۱۰- برنامه ریزی و توسعه شهرک های جدید ۱۱- بهبود و بالا بردن سطح توسعه نواحی محروم و روستاهای اطراف شهر ۱۲- مدیریت هماهنگی و کنترل بلایای طبیعی. (کاظمیان، ۱۳۹۰)

مدیریت شهری در ایران

مدیریت شهری در ایران پیوندی همه جانبه با نظام سیاسی حاکم با کشور دارد. بر این اساس، ویژگی‌های نظام سیاسی مانند باز یا بسته بودن، متمرکز یا غیر متمرکز بودن بازتاب خود در شهرها و مدیریت شهری نشان می‌دهد (سعید نیا، ۱۳۹۳).

مدیریت شهری در دوره های مختلف از حاکمان محلی و داوران شهری دوره ی ماد و هخامنشی، انجمن های مالی و صرافی دوره هخامنشیان، شورای شهر و مجلس سنای شهر حکومت سلوکیان، نظام اداری شهرها در دوره اشکانیان را که حزب و شورا اداره می کردند و شهرباب (شهردار) زیر فرمان دولت مرکزی ساسانیان که با حذف استقلال نهادهای مدیریت شهری و وابستگی آنها به حکومت مرکزی همراه بوده همگی به اشکال متفاوتی مدیریت شهرها را بر عهده داشته اند.

مدیریت شهری به شکل نو نیز در ایران به دوران پس از مشروطیت تعلق دارد. ساخت مدیریت شهری ایران تا قبل از تغییرات نظام اداری در دوران معاصر از شرایط اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی جامعه تأثیر می پذیرفته است. (مدیر به صورت انتصابی) پس از پیروزی انقلاب اسلامی، با توجه به تغییر بنیادین نظام سیاسی کشور و بر اساس تلاش برای افزایش مشارکت و دخالت مردم در اداره امور شهر و سیاست عدم تمرکز در اداره عمومی کشور و ضرورت سپردن امور محلی به دست مردم محلی بر اداره شورایی کشور (در سطوح مختلف کشوری، استانی، شهری و روستایی) در قانون اساسی تأکید شده و از جمله تغییرات مهمی که بعد از انقلاب اسلامی در مدیریت شهری به وجود آمد. ساختار دولت در ایران، زمینه ساز تسلط گسترده در اداره امور شهر شده است (رهنمایی و کشاورز، ۱۳۸۹). سازمان اداره کننده امور شهری در بخش دولتی (سطح کلان) شامل چندین وزارتخانه و سازمان می‌باشد. بخش نیمه دولتی (شهرداری‌ها) که عملکرد مستقلی ندارد، بخش مردمی تنها شورای اسلامی می‌باشد و بخش خصوصی در امر مدیریت شهری مشارکت فعال و عملیاتی ندارد و یا مشارکت غیر مستقیم دارد. مدیریت شهری در ایران به عنوان سازمان‌های محلی زیر مجموعه ای حکومت محلی می‌باشد (پارسایی، ۱۳۸۱).

ساختار نظام مدیریت شهری در ایران با تأکید بر شوراها و شهرداری‌ها (مدل شورا-مدیر شهر) می‌باشد. مدیریت شهری در کشور (شهرداری‌ها) از گونه سازمان‌های محلی هستند نه حکومت محلی مستقل و سطوح مدیریت شهری در ایران به سه سطح کلان، منطقه‌ای استانداری و ناحی‌های/محلی تقسیم بندی می‌شود.

با گذشت زمان (از سال ۱۲۸۶ تا ۱۳۷۷) میزان دخالت سطوح مدیریت ملی (سطح کلان) و منطقه‌ای (سطح خرد) در ابعاد جزئی مدیریت شهری روبه کاهش بوده و به ترتیب در حوزه سیاستگذاری و برنامه‌ریزی فعالیت می‌کنند، بر این اساس، میزان تخصص‌گرایی در مدیریت شهری در سطح محلی روبه افزایش می‌باشد.

نظام برنامه‌ریزی و مدیریت شهری در ایران متمرکز بوده و نظارت بر توسعه شهری و اداره امور آنها از طریق سازمان‌های دولتی و عمومی در سطح ملی و ناحیه‌ای/ محلی صورت می‌گیرد. برای ترتیبات نهادی لازمه چنین یکپارچگی، تقاطعی بین ساختار بخشی بخش دولتی، دستگاه‌های دولتی با ساختار فضایی و بخش عمومی شهرداری‌ها و شورای شهرها است؛ در واقع نیاز به ایجاد سطح حکومت محلی در ایران است که با تفویض اختیار و منابع مرتبط به شهرداری و شوراهای برای تمام اموری که در سطح شهر قابل اجرا، اداره و پاسخگوئی است، می‌تواند عملی شود.

شهرداری به عنوان مهمترین عنصر مدیریت (مهم -ترین سازمان اجرایی مدیریت شهری ایران) برای نیل و تحقق اهداف توسعه شهری ضروری می‌باشد که براساس تامین نیازهای مشترک شکل گرفته است (ایمانی جاجرمی و دیگران، ۱۳۸۶). مدیریت شهری را می‌توان شاخه‌های نسبتاً جدید علم مدیریت دانست، یکی از مهمترین ارکان این نظام، شوراهای شهر است. که نهادی کاملاً مردمی محسوب شده و عهده دار بحث، بررسی و تصمیم‌گیری درباره مسائل روزمره و امور مردم هستند. هدف اصلی تشکیل شورای اسلامی شهر، پیشبرد سریع برنامه‌های توسعه شهری از طریق همکاری و مشارکت مردم است به همین خاطر در ایران شوراهای به عنوان یکی از نهادهای نظارتی بر عملکرد بخش عمومی، فلسفه وجودی پیدا می‌کند.

شوراهای اسلامی شهر به عنوان هدایت‌کننده اصلی فعالیت‌های شهری برای تحقق مدیریت واحد شهری تعریف می‌شوند. اما شوراهای شهر در شهرها به دلایلی در زمینه مدیریت شهری توفیق زیادی نداشته‌اند که دلایل عدم توفیق شوراهای اسلامی در شهرها به عدم وجود ساز و کارهای حقوقی و قانونی در تحقق شوراهای در کشور، روشن نبودن وضعیت شوراهای در ساختار رسمی کشور، فقدان پشتوانه و منابع مالی برای شوراهای، فقدان نیروهای متخصص در امور شهری در شوراهای اسلامی و... از جمله دیگر مواردی است که عملاً مسیر تضعیف شوراهای را هموار کرده است. یکی از فاکتورهای اساسی برای اجرای برنامه‌ها و رسیدن به توسعه پایدار حکمروایی خوب و نوع مدیریت باید مورد توجه باشد تا بتوان برنامه‌ریزی از بالا به پایین را معکوس کرد و مردم را در تعیین سرنوشت خود سهیم کرده و از پیچیدن نسخه‌های مشترک اجتناب نمود. پراکنده بودن امور اداره شهر در بین دستگاه‌های مختلف اجرایی، موازی کاری، دوباره کاری و تداخل وظایف دستگاه‌های اجرایی (درگیری سازمانی و هدر رفتن سرمایه) و عدم مدیریت یکپارچه شهری موجب نا-همآهنگی در توسعه و عمران شهری شده است. بنابراین؛ ضروری است که چارچوبی مناسب به منظور بازساماندهی ارتباطات سطوح مختلف مدیریت شهری در راستای تقویت حکومت‌های محلی، مشارکت مردمی ارائه و اصلاح ساختار و تصمیم‌گیری‌ها تا رسیدن به وضع مطلوب ادامه یابد.

تجزیه و تحلیل عناصر تأثیرگذار مدیریت شهری در سطوح مختلف (وظایف و اختیارات وزارتخانه‌ها و سازمان‌های گوناگون) و تغییرات سطوح مدیریت شهری در رابطه با زمان، نمایانگر وجود موازی کاری در امر تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی در سطح کشور است. از این رو، توسعه وظایف و اختیارات شهرداری‌ها و شوراهای شهر اجتناب‌ناپذیر است. توسعه وظایف اختیارات شهرداری‌ها و شوراهای اسلامی با هدف توسعه اختیارات آن کلیه جنبه‌های مدیریت شهری را افزایش داده و استراتژی عدم تمرکز را محقق می‌سازد. مدیریت مدل سنتی با حکومت مرکزی پیوند خورده است (ویک و ت^۲، ۱۹۹۷). و روابط به صورت

² Wekwete

عمودی و تقسیم بندی های انعطاف ناپذیر شکل می گیرد. مدیریت شهر به عنوان یک رویکرد نوین در حل معضلات و مشکلات به وجود آمده در جامعه نقش مهمی به عنوان یک حکومت محلی در عرصه زندگی شهری ایفا می نماید.

مدیریت شهری در کشور هلند

کشور هلند از ۱۲ استان (ایالت) و ۴۶۷ شهرستان با ۷۱۴ شهرداری تشکیل یافته است و مدیریت استانی آن از سه ارگان شورای عالی، هیات اجرایی استانی و کمیسر سلطنتی، تشکیل یافته است. شورای استانی، نماینده مردم در آن استان بوده و تعداد نمایندگان آن از ۴۷ تا ۸۳ نفر تغییر می کند. تمامی نمایندگان با رای مستقیم مردم و با سیستم رای گیری نسبی برای مدت چهار سال انتخاب می شوند. کشور هلند از لحاظ مدیریت شهری سابقه ای دیرینه داشته و یکی از نظام های پیشرفته مدیریت شهری را داراست. از جنبه های مثبت این نظام، عملکرد همه جانبه حکومت های محلی به نیازهای متنوع مردم محلی است که شامل تمامی ابعاد آموزشی، اجتماعی، تاسیسات زیر بنایی، ثبت و احوال، اقتصادی و فرهنگی می شود. در هلند حکومت های محلی هر یک شورای خاص خود را دارند که توسط مردم انتخاب شده و هر یک در قلمرو خاص خود با نظارت مستقیم حکومت مرکزی و مطابق قانون اساسی کشور با استقلال نسبی فعالیت می کنند. نظام برنامه ریزی فضایی در هلند از سه سطح تشکیل یافته است، دولت مرکزی، استان و شهرداری. هر یک از سطوح برنامه ریزی می توانند اهداف برنامه ریزی و محتوای طرح های خود را تعیین کنند، لذا سلسله مراتب رسمی برنامه ریزی بین برنامه های مختلف وجود ندارد. در سطح ملی اسناد برنامه ریزی فضایی با نام «برنامه ریزی و تصمیمات کلیدی» معروف است. در سطح استانی طرح های منطقه ای ابزار عمده به حساب می آیند. طرح های منطقه ای تنها ماهیت پیشنهادی دارند و شامل پیشنهادات کلی در راستای توسعه های شهری، تفریحی و صنعتی و یا کاربری های زمین در بعضی نواحی می شوند. مسوولیت تهیه طرح های منطقه ای هلند بر عهده سازمان برنامه ریزی استانی است. برنامه ریزی در سطح شهری از سطوح دیگر مهمتر است. در سطح شهری دو نوع طرح وجود دارد. یکی طرح ساختاری که باید به تایید شورای شهر برسد و دوم طرح کاربردی زمین که علاوه بر تصویب شورای شهر نیازمند تصویب سطوح بالاتر اداری یعنی شورای استانی است. در هلند اگر چه مسوولیت برنامه ریزی منطقه ای بر عهده شورای کانتی بوده و در سطح پایین تر شهرداری ها قرار دارند، با این وجود دولت مرکزی توسط کمیسیون ملی برنامه ریزی به امور برنامه ریزی شهری و منطقه ای نظارت کرده اما دخالت مستقیمی در این امور ندارد.

ساختار نظام مدیریت شهری هلند

کشور هلند از لحاظ مدیریت شهری سابقه ای دیرینه داشته و یکی از نظام های پیشرفته مدیریت شهری را در بین کشورهای جهان داراست. در کشور هلند شهرداری ها دارای سه رکن اصلی هستند. شورا، هیات اجرایی و شهردار، شوراها در هلند مرکب از ۷ تا ۴۵ عضو هستند که به وسیله سیستم رای گیری نسبی مستقیماً توسط مردم شهر انتخاب می شوند. احزاب سیاسی، کاندیداهای خود را در شورای شهر تعیین می کنند. دوره عضویت در شورا چهار سال است که در ضمن آن شوراها باید حداقل ۶ بار در سال تشکیل جلسه دهند. شرکت در جلسات شورا برای عموم آزاد است مگر این که شورا تصمیم بگیرد که پشت درهای بسته جلسه را تشکیل دهد. اهم وظایف شورا بدین قرار است نظارت بر خرید و فروش در شهرداری، عزل و نصب کارکنان، عقد قرار داد تامین وام و فراهم کردن اماکن فرهنگی یکی از فعالیت های اصلی دیگر حفظ سلامتی، ایمنی و امنیت توسط پلیس است که افراد آن به وسیله حکمی از جانب هیات ایالتی منصوب می شوند. در عمل شهردار و هیات اجرایی شهر

به طور جمعی و انفرادی مسوول فعالیت‌های خود در مقابل شورا هستند. به شخص شهردار اختیارات ویژه ای داده شده است. از جمله این که شهردار رئیس پلیس شهر بوده، مسئول حفظ نظم و قانون در شهر است. شهردار ضمن تماس با شهروندان، سازمان های دولتی، سازمان های اجتماعی و سازمان های تجاری نقش عمده ای را در مدیریت شهر ایفا می کند. در شهر آمستردام (پایتخت) تقسیمات شهرداری با رشد جمعیت تغییر می کند. معمولاً برای هر یکصد هزار نفر از ساکنان هر یک منطقه شهرداری منظور می شود. هر شهروند منسوب به یکی از مناطق است. برای هر منطقه شهرداری یک شورای شهر وجود دارد که از ۴۹ نفر تشکیل می شود. این شورا ده نفر را به عنوان هیات مدیره تعیین می کند. اعضای هیات مدیره، شهردار منطقه را انتخاب می کنند و شهردار کل را ملکه هلند منصوب می کند. نامزدهای مربوط به انتخاب شهردار توسط شهرداری معرفی می شوند. همچنین شهردار رئیس شورای شهر است و یکی از اعضا و رئیس هیات مدیره شهرداری نیز می باشد. شهردار در جلسات هیات مدیره شهرداری یک رای دارد ولی در جلسات شورای شهر حق رای ندارد. از دیگر ویژگی های مدیریت شهری هلند واگذاری بخشی از امور شهرداری به بخش خصوصی است. در این ارتباط می توان از مساله معاینه فنی اتومبیل ها، امور مربوط به متوفیات؛ کشتارگاه ها، خانه های فرهنگ، حفظ و نگهداری پارک ها، جمع آوری زباله و صدور گواهینامه رانندگی نام برد که همگی این امور توسط بخش خصوصی انجام می شود. (صادقی، اکبری، ۱۳۹۰)

وظایف اصلی، مهم و کم اهمیت از دیدگاه شهرداری ها در ایران

متوسط انجام کل وظایف شهرداری ها تقسیم ۴۸/۴ درصد بوده است که بر همین اساس وظایف شهرداری ها را می توان به ۳ گروه تقسیم نمود:

الف-وظایفی که اکثریت مطلق شهرداری ها (بیش از ۸۰ درصد) آنها را انجام می دهند و می توان آنها را وظایف اصلی و مورد تأکید عملی شهرداری ها تلقی نمود.

ب- وظایفی که توسط ۵۰ تا ۸۰ درصد شهرداری ها به انجام می رسند و وظایف مهم آنها را تشکیل می دهند.
پ- وظایفی که کمتر از ۵۰ درصد شهرداری ها آنها را انجام می دهند و می توان آنها را با ملاحظاتی جزء وظایف کم اهمیت شهرداری ها (در عمل و از دیدگاه خودشان) قلمداد نمود.

-وظایف اصلی

هشت وظیفه ای که بیش از ۸۰ درصد شهرداری ها آنها را انجام می دهند و می توان آنها را با ملاحظاتی، جزء وظایف کم اهمیت شهرداری ها (در عمل و از دیدگاه خودشان) قلمداد نمود. هشت وظیفه ای که بیش از ۸۰ درصد شهرداری ها آنها را به انجام می رسانند عبارتند از:

۱- زیر سازی، جدول گذاری و آسفالت معابر-۲ پیاده روسازی-۳ احداث و نگهداری پارک و فضای عمومی
۴- جمع آوری و دفع بهداشتی زباله-۵ نظافت معابر و اماکن شهری-۶ صدور پروانه ساختمان-۷ تشکیل کمیسیون ماده صد و برخورد قانونی با تخلفات ساختمانی-۸ جلوگیری از سد معبر.

-وظایف مهم

احداث و اداره تأسیسات شهری شامل کشتارگاه، گورستان، بازار روز و همچنین راه اندازی کارخانه آسفالت، احداث کتابخانه، اداره امور تاکسیرانی، ارائه خدمات ایمنی و آتش نشانی، ایجاد تأسیسات حفاظتی (سیل گیر و...) ایجاد شبکه جمع

آوری آب های سطحی، لایروبی مسیل ها و قنوت، رفع خطر از بناها، کنترل صنایع مزاحم، نامگذاری معابر و نصب پلاک و انواع تابلوها، وظایفی می باشند که بین ۵۰ تا ۸۰ درصد شهرداری ها آنها را به انجام می رسانند. (کازمیان، ۱۳۹۰)

الگوهای مدیریت شهری

الف: مدیریت تک سطحی مجزا

در این الگوی مدیریت شهری شهرهای وابسته به یک مجموعه شهری هر کدام بطور مجزا دارای شهرداری وابسته به خود می باشند و برای محدوده قانونی تعریف شده خود فعالیت می نمایند. الگوی مدیریت تک سطحی به دلیل عدم بهره گیری از تعاملات و بازخوردهای مجموعه شهری و عدم التفات به فرایند برنامه ریزی در حوزه مجموعه شهری تا حدودی نا کارآمد می نماید. این الگو در حوزه تعاملات مجموعه شهری و تاثیر و تاثرات منطقه شهری توجه ندارد و در برخی کشورها مانند ایران مورد کاربست دارد.

ب: مدیریت تک سطحی ادغام شده

در این الگو یک شهرداری واحد مسئول ارائه خدمات شهری به کل شهرهای مجموعه شهری می گردد، در حالی که این شهرداری ممکن است مجموعه شهری را به بخش ها و مناطق مختلف تقسیم بندی کند و مدیریت خود را در هر یک از حوزه ها و بخش های وابسته اعمال نماید که به دلیل نگاه همزمان به فرایند برنامه ریزی هدایت و کنترل در حیطه مجموعه شهری می تواند به فرایند مدیریت در حوزه کلان و در مجرای تعاملات مناطق شهری وابسته پاسخ مناسب تری را اعمال نماید، این شهرداری ممکن است از ادغام شهرداری های موجود در یک مجموعه شهری با یکدیگر و یا ضمیمه شدن شهرداری های شهرهای کوچکتر به شهر بزرگتر موجود در مجموعه شهری شکل بگیرد. این الگوی مدیریت شهری در کشورهایی مانند مصر و کلان شهر قاهره مورد کاربست دارد.

مدیریت شهری در مصر

مدیریت شهری در مصر و کلان شهر قاهره از نظام اداری دو سطحی برخوردار است. این الگو دارای دو سطح اداری - شهری است که یکی شهرداری سطح منطقه ای است که کل مجموعه شهری را در بر می گیرد و دیگری شهرداری سطح محلی است که در هر کدام از شهرها و شهرک های موجود در مجموعه شهری شکل می گیرد. شهرداری سطح منطقه ای معمولاً خدماتی را که ابعاد منطقه ای دارند ارائه می کند و شهرداری های محلی نیز خدماتی را ارائه می کنند که جنبه محلی تر به خود می گیرد. شهرداری قاهره از ۱۹۶۰ به فرمانداری «شهرداری» تبدیل شد. تقسیم شهر به نواحی کوچکتر و انتخاب شوراهای محلی از دیگر مراتب در مدیریت شهری در مصر می باشد. که شورای مردم را از ۱۳۰ عضو که نصف اعضای آن کارگران و کشاورزان هستند تشکیل می دهد. برنامه های مصوب شورا در صورت تناقض با برنامه و بودجه اقتصاد کشور از سوی فرماندار رد می شود تفاوت این نظام با نظام مدیریت شهری کشورهای توسعه یافته در انتخابی بودن اعضاء شورای شهر و انتصابی بودن فرماندار توسط رئیس جمهور است.

پ: همکاری های داوطلبانه و اختیاری

این الگوی مدیریتی همان الگوی مدیریتی تک سطحی است با این تفاوت که با بهره گیر از همکاری داوطلبانه بین شهرداری های موجود در منطقه شهری به فرایند هدایت، کنترل و اداره امور شهری و ارائه خدمات و تسهیلات عمومی می پردازد

هر چند که میزان این همکاری و نظارت بر حوزه های مرتبط با مناطق مشترک نقاط همجوار فرایند برنامه ریزی، نظارت و اجرا را دچار چالشی فراگیر می کند. این همکاری می تواند اشکال و چارچوب های متفاوتی مانند ایجاد یک کنسرسیوم و یا قراردادهای همکاری مشترک به خود بگیرد که ضرورت وجود نهادی هماهنگ کننده در میزان و مراتب این همکاری و ایجاد مرجعی برای تصمیم گیری در امور وابسته مورد اختلاف در حوزه مجموعه شهری ضروری به نظر می رسد.

ت: مدیریت دو سطحی

این الگو دارای دو سطح اداری - شهری است که یکی شهرداری سطح منطقه ای است که کل مجموعه شهری را در بر می گیرد و دیگری شهرداری سطح محلی است که در هر کدام از شهرها و شهرک های موجود در مجموعه شهری شکل می گیرد. شهرداری سطح منطقه ای معمولاً خدماتی را که ابعاد منطقه ای دارند ارائه می کند و شهرداری های محلی نیز خدماتی را ارائه می کنند که جنبه محلی تر به خود می گیرد. در این الگوی مدیریتی به دلیل وجود نظام شهری مرجع در حوزه کلان شهری و فراهم سازی در نظر گیری تعاملات و کنش های درون منطقه ای فرایند برنامه ریزی، سازماندهی، هماهنگی، کنترل و نظارت برای هدایت و راهبری منطقه شهری به صورت شایسته تری محقق می شود. این الگوی مدیریتی در برخی کشورها مانند ترکیه و شهر استانبول مورد کاربست دارد.

ث: ایجاد سازمان های فرا محلی جایگزین

در این الگوی مدیریت شهری به ایجاد سازمان های فرا محلی ویژه شهرداری ها موجود در یک مجموعه شهری ادغام می شود که مسئولیت ارائه خدمات منطقه ای را بر عهده می گیرند. نهاد ها و سازمان های تشکیل شده را نیز همان نوع خدماتی که شهرها به طور معمول انجام می دهند را در قالبی فراتر و برای کل مجموعه شهری انجام می دهند که این الگو در برخی کشورها مانند کانادا و کلان شهری تورنتو کاربست دارد.

مدیریت شهری در آمریکا

شهرداری ها در واقع نتیجه حکومت های ایالتی و تابع ایالات و قانون و مقررات آن هستند، اما بدلیل انتخاب مستقیم شهرداران و انجمن شهر «شورای شهر» توسط شهروندان، تبعیت شهرداری ها از ایالات حد معینی دارد. سیستم حاکم بر شهرهای آمریکا سیستم شهردار - شورا است. انتصاب شهردار در شهرهای بزرگ با رای مستقیم شهروندان و در شهرهای کوچک توسط شورای شهر که خود با رای مردم انتخاب شده اند، صورت می گیرد. بر این اساس سه نوع از مدیریت دیده می شود که عبارتند از ۱- اقتدار شهردار در انتصابات، صرفه بودجه، اداره امور شهر ۲- اقتدار شورا در حق وتو فعالیت های شهردار ۳- تلفیق دو مدل مذکور.

مدیریت شهری در فرانسه

کشور فرانسه از ۲۶ منطقه تشکیل شده که چهار منطقه در زمره مستعمرات این کشور قرار دارد. به علاوه فرانسه از ۱۰۰ دپارتمان تشکیل شده که چهار ناحیه زمره مستعمرات این کشور قرار دارد در پایین ترین حد تقسیمات کشوری در فرانسه، کمون ها یا تعداد ۳۶۶۶۶ قرار دارند که همان حکومت های محلی محسوب می شوند. هر منطقه و ناحیه دارای یک فرماندار است که نمایندگی دولت مرکزی را در سطح محلی برعهده دارد. از ۳۶۶۶۶ کمون فرانسه ۲۸۱۸۳ کمون دارای

مساحتی کمتر از ۱۰۰۰ هکتار هستند. با در نظر داشتن تعداد زیاد تقصیسات کشوری، درفرانسه نهادهای برنامه ریزی بسیاری در سطوح مختلف وجود دارند. این نهادها عبارتند از

- ۹ سازمان توسعه کلان شهری
- ۲۱۴ سازمان برنامه ریزی بخشی
- ۳۵ سازمان برنامه ریزی محیطی
- ۱۷۰۱۴ واحد سندیکا برای توسعه بین کمونی
- از زمان ناپلئون به بعد، سیستم مدیریتی فرانسه همواره متمرکز بوده است. تمام تصمیمات در ارتباط با برنامه ریزی شهری و منطقه ای حتی صدور مجوز ساخت و ساز توسط مقامات دولتی صادر می شده است. شهرداران که بیشتر کمون ها را برعهده دارند، در این زمینه اختیارات محدودی داشته اند. در آغاز سال های ۱۹۸۲ دولت به منظور تمرکز زدایی با تصویب قانون شماره ۲۱۳-۸۲، نخستین گامها را برداشت. براساس این قانون شهرداریها، دپارتمان ها و مناطق به طور آزادانه به وسیله شوراهای منتخب اداره می شوند. (بمانیان، محمودی نژاد، ۱۳۸۷)

منابع و مآخذ

۱. انصاری محمد باقر (۱۳۹۰) قانون ومقررات شهرداری و شوراها با آخرین اصطلاحات انتشارات جهاد دانشگاهی اصفهان.
 ۲. ایمانی جاجرمی، حسین و فیروزآبادی، سیداحمد (۱۳۸۶) بررسی مدل‌های سنجش عملکرد مدیریت محلی: با تاکید بر سازمان‌های مدیریت شهری و روستایی در ایران، مجله نامه علوم اجتماعی، شماره ۳۲.
 ۳. بمانیان محمد رضا و محمود نژاد هادی، (۱۳۸۷) مدیریت و شهر در کلام ولایت انتشارات سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور.
 ۴. پارسایی، جابر (۱۳۸۱) نظام نوین مدیریت شهری، مجله شهرداری‌ها، سال چهارم، شماره ۴۴.
 ۵. رهنمایی، محمدتقی و کشاورز، مهناز (۱۳۸۹) بررسی الگوی حکم‌روایی خوب و نقش دولت در مدیریت و اداره امور شهرها در ایران. دو فصلنامه جغرافیا و برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال اول، شماره اول.
 ۶. سالاری سردری، فرضعلی؛ کیانی، اکبر (۱۳۹۶) تحلیل الگوی مدیریت شهری ایران، فصلنامه مطالعات مدیریت شهری، سال نهم، شماری ۳۲، ۳۵-۵۲.
 ۷. سعیدنیا، احمد (۱۳۹۳) کتاب سبز شهرداری‌ها: مدیریت شهری، انتشارات سازمان شهرداری‌های و دهیاری‌های کشور، تهران.
 ۸. صادقی یدالله (سال ۱۳۹۰) مدیریت (مبانی و استراتژی)، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس تهران.
 ۹. صالحی، اسماعیل؛ نوذرپور، علی؛ سعیدی رضوانی، نوید؛ کاظمیان، غلامرضا؛ ایازی، محمدهادی (۱۳۹۲) مدیریت شهری: مدیریت شهری در ایران، انتشارات موسسه تیسسا ساغرمهر.
 ۱۰. طاهری ابوالقاسم (۱۳۸۷) اداره امور شهرداری‌ها، نشر قومس.
 ۱۱. عباس زاده، عبدالرضا؛ عباس زاده، شهاب (۱۳۹۱) آشنایی با وظایف و اختیارات شهردار و نحوه انتخاب و شرایط احراز شهردار، انتشارات راه دان، شهرداری‌های کشور.
 ۱۲. کاظمیان غلامرضا، سیده زهره میر عابدینی (۱۳۹۰) نشریه هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی، شماره ۴۶.
 ۱۳. کاظمیان، غلامرضا؛ سعیدی رضوانی، نوید (۱۳۸۲) امکان‌سنجی واگذاری وظایف جدید به شهرداری‌ها: مدیریت شهری و شهرداری‌ها در ایران، سازمان شهرداری‌های کشور.
14. Wekwete, Kh. (1997). urban management: the recent experience, the urban challenge in Africa: growth and management of its large cities, edited by Carole Rakodi. Tokyo, Japan, United Nations University Press .